

مرزهای سکوت

دکتر اشرف‌الدین گوشه‌گیر

متخصص بیماریهای داخلی و رئیس مرکز توسعه آموزش پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

علی چهره‌ای - حسن جعفری

دانشجویان پزشکی و عضو کمیته پژوهشی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایران

خلاصه

مقدمه: امروزه ایدز به عنوان یک مشکل بهداشتی جهانی مطرح می‌باشد و با توجه به حجم وسیع ارتباطات در سطح دنیا شاید بتوان گفت که ایدز مشکل امروز جامعه ما نیز هست. مشکلات بیماری ایدز فقط هزینه‌های بالای اقتصادی نمی‌باشد بلکه ضایعات فرهنگی، سیاسی و ... نیز ایجاد کرده است. همچنین مشکلاتی برای کادر درمانی ایجاد کرده است که از آن جمله می‌توان به ترس از آلوده شدن و قرار گرفتن پزشک بر سر دو راهی رازداری و وظیفه پیشگیری از بیماران اشاره کرد.

روش کار: این مقاله با هدف پرداختن به یکی از مسائل اخلاقی که پزشک با آن درگیر می‌باشد، نوشته شده است و برای تحریر آن از کتب معتبر اخلاق پزشکی و پزشکی قانونی و پژوهشهای قبلی و متون سوگندنامه‌ها و قوانین مربوطه استفاده گردیده است.

نتایج: جوانی مبتلا به ایدز می‌خواهد با دختری که کوچکترین اطلاعی از ابتلای او به بیماری ندارد ازدواج نماید و پزشک معالج بیمار از این مورد اطلاع می‌یابد. اگر به همسر آینده او اطلاع دهد رازداری را رعایت نکرده است و اگر راز بیمار را حفظ نماید باعث ابتلای احتمالی همسر و فرزندان آینده او می‌شود.

بحث: پزشک باید در برخورد با اینگونه مشکلات مصلحت بیمار، اطرافیان و جامعه را رعایت نماید و در این مورد به مصلحت هر سه گروه فوق می‌باشد که پزشک موضوع را با همسر فرد در میان گذارد. اما این کار باعث عدم اعتماد بیمار مبتلا به ایدز به پزشک و جامعه پزشکی می‌شود که خود عاملی برای گسترش ایدز است. بهترین راه در این مورد و موارد مشابه (هیاتیت B) مشاوره با بیمار و تشویق او به مطلع کردن همسر خود می‌باشد.

پیشنهادات: به پزشکان پیشنهاد می‌شود در صورت برخورد به موارد فوق با انجام مشاوره بیمار را تشویق به مطلع کردن همسر آینده خود نمایند.

کلید واژه‌ها: ایدز - ازدواج - رازداری

موارد کشف نشده) بالغ بر ۳۶۲۴۵۳۹۵ مورد می‌باشد (۲). با توجه به ارتباطات بین‌المللی وسیع، امروز هیچ کشوری نیست که به نوعی گرفتار این بیماری نباشد و کشور ما نیز از این غائله مستثنی نیست اولین مورد ایدز در ایران در سال ۱۳۶۶ در یک کودک ۶ ساله که از فاکتورهای خون وارداتی استفاده می‌کرد، ثبت گردید و گرچه تا به امروز بیماری رشد کلی داشته است، اما تا تاریخ ۷۷/۱/۱، ۱۳۴۴ مورد HIV مثبت ثبت شده است که ۱۹۵ نفر آنها مبتلا به ایدز می‌باشند که از این تعداد ۱۳۶ نفر در محدوده سنی ۱۵ تا ۴۰ سال قرار دارند (۲).

بیماری ایدز امروزه به عنوان یک بیماری با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطرح است، در واقع مشکل اصلی اپیدمی ایدز منحصر به هزینه‌های بالای اقتصادی نیست بلکه از دست رفتن سرمایه‌های دیگری است که از نظر فرهنگی و اجتماعی مهم هستند. با توجه به اینکه بیماری ایدز اغلب افرادی را از بین می‌برد که در بهترین و عالی‌ترین سالهای زندگی خود به سر می‌برند، می‌توان آن را به عنوان یک بحران اجتماعی و فرهنگی نیز به حساب آورد. تخمین زده شده است که تا پایان این قرن زنان آلوده به ویروس ایدز باعث تولد چهار تا هشت میلیون کودکی شوند که به

ویروس ایدز بی‌سروصدا به سراسر جهان راه یافت و دره‌های دورافتاده و ناپیدای بهداشت جامعه را پر کرد تا بر قله‌های رفیع آن برآمد و چون عقاب زخمی در پهن دشت آسمان لاجوردی کره خاکی به پرواز درآمد. پرگشود و دیوانه‌وار پنجه‌های خود را بر قلوب غنچه‌ها و لاله‌های بالنده انسانیت فرو برد، از هم بدرید و لاشه‌های آنان را بر دروازه شهر علم بیاویخت.

در سال ۱۹۸۰ چند مرد جوان آمریکایی بر اثر بیماری مرموزی مردند که هیچ پزشکی از راز آن آگاه نبود و هر روز نیز به تعداد قربانیان این بیماری افزوده می‌شد. مرکز کنترل بیماریها واقع در آتلانتا مأمور بررسی و پیگیری موضوع شد و بدینسان در آغاز ماه مه ۱۹۸۱ آژیر خطر بصدا درآمد. قاتل بیماری ناشناخته‌ای بود که بعدها در سال ۱۹۸۵ نام نقص ایمنی اکتسابی (AIDS) بر آن نهاده شد (۱).

از کشف اولین مورد مبتلا به بیماری ایدز تا امروز این بیماری افراد زیادی را آلوده نموده و جمع کثیری از آنها را به کام مرگ کشیده است. تعداد موارد گزارش شده ایدز تا اکتبر سال ۱۹۹۷، ۱/۷۶۸/۰۶۸ نفر بود که موارد آلودگی مورد انتظار (با احتساب

سوگندنامه استفاده شده است.

نتایج

همانگونه که در فوق ذکر شد یکی از مسائل گریبانگیر پزشکان در مورد برخورد با بیماران مبتلا به ایدز قرار گرفتن بر سر دوراهی رازداری و حفظ مصالح عمومی است. در اینجا به یک نمونه از این مشکلات می‌پردازیم. جوانی مبتلا به ایدز می‌خواهد با دختری که کوچکترین اطلاعی از ابتلای او به این بیماری ندارد ازدواج نماید و پزشک معالج از این موضوع اطلاع می‌یابد. پزشک چه باید بکند؟ آیا باید به دلیل حفظ اسرار حرفه‌ای ساکت بماند؟ آیا باید حق مالکیت فرد بر اسرارش را فدای مصالح، رفاه و سلامتی اجتماعی نماید؟ در این مقاله با کندوکاو این موضوع سعی بر آن خواهد شد تا ضمن رعایت حفظ اسرار بیماران راهحلی برای آن جستجو شود.

یک حالت ممکن این است که پزشک رازداری پیشه کرده و همسر فرد را از بیماری او مطلع نسازد. رازداری یکی از اصول اولیه اخلاق پزشکی می‌باشد و در کتب اخلاق پزشکی همواره بر این مفهوم تأکید گردیده است. در این باره در سوگندنامه بقراط آمده است: «آنچه در حین انجام دادن حرفه خود و حتی خارج از آن

علت از دست دادن مادران خود در اثر ایدز یتیم خواهند ماند. با توجه به اهمیت بیماری ایدز که امروزه به عنوان یکی از بیماریهای غیرقابل درمان در محدوده بیماریهای واگیر به شمار می‌آید، می‌توان گفت: «ایدز بیماری است که خطرش کمتر از طاعون نیست» (۳). مشکلات ایدز تنها برای خود بیمار نیست بلکه برای اطرافیان و حتی برای کادر درمانی نیز مشکل بزرگی به حساب می‌آید. از جمله این مشکلات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ترس از آلوده شدن، عدم برخورد صحیح با بیمار و قرار گرفتن پزشک بر سر دوراهی رازداری و وظیفه پیشگیری از بیماری. در این مقاله نگاهی داریم به مشکل اخیر.

روشنی‌کار

این مقاله با هدف پرداختن به یکی از مسائل اخلاقی که پزشک با آن درگیر می‌باشد، نوشته شده و در آن یکی از موارد اخلاق پزشکی که هر طبیبی در طول دوران طبابت خود، به طرق مختلف با آن درگیر می‌شود به صورت موردی، از جوانب مختلف بررسی گردیده است و برای تحریر آن از کتب معتبر اخلاق پزشکی و پزشکی قانونی و کتاب قانون مجازات اسلامی و پژوهشهای قبلی و متون

اسرار بیماران خود را حفظ کند و باید براساس سوگند خود عمل نماید اگر چنین کند به احتمال زیاد همسر فرد و حتی فرزندان آنها نیز آلوده خواهند شد. آیا اینگونه سزاوار است؟ آیا پزشک حاضر است این حادثه را برای یکی از نزدیکان خود بپذیرد؟ شاید با بیان موضوع از آلودگی تعدادی جلوگیری می‌شود. البته پزشک با این رازداری خود، فرد مبتلا را از حق ازدواج محروم نکرده است ولی آیا طنابی در چاه نینداخته و سر دیگر آنرا به همسر فرد نداده است؟ برآستی چه کسی مسئول ابتلای همسر و فرزندان او است؟ آیا پس از اطلاع همسر از بیماری فرد کانون خانواده فرو نمی‌ریزد و مسئول این فروپاشی کیست؟

یکی از مهمترین وظایف پزشکان درمان بیماران و پیشگیری از گسترش بیماری است. آیا پزشک به علت این وظیفه خود برای جلوگیری از گسترش بیماری ایدز نباید همسر فرد را مطلع کند؟ آیا پزشک نباید مصالح عالی جامعه را مدنظر بگیرد؟ اگر چنین کند پس وظیفه رازداری او چه می‌شود؟ روی دیگر سکه عدم رازداری پزشک و اطلاع دادن به همسر فرد است که این کار به احتمال قوی باعث جلوگیری از ازدواج و محروم شدن فرد بیمار از یک حق طبیعی که همانا ازدواج است می‌شود و چه

درباره زندگی مردم خواهم دید و یا خواهم شنید نباید فاش شود و به هیچکس نخواهم گفت زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد (۴)» اهوازی در پندنامه خود می‌نویسد: «طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد، از افشای سُر آنها به خودی و بیگانه و نزدیکان و دوران دوری جوید چرا که بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند ولی آن را به طیب می‌گویند پس طیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت نماید (۴)» و همچنین در اعلامیه ژنو در این مورد آمده است: «به اسراری که به من سپرده شده‌اند احترام خواهم گذاشت و حتی بعد از مرگ بیمار هم آنها را فاش نخواهم کرد (۵)» اهمیت رازداری در حرفه پزشکی بدان حد است که براساس ماده ۱۰۶ قانون تعزیرات: «اطباء، جراحان، قابل‌ها، داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از مواردی که برحسب قانون ملزم می‌باشند، اسرار مردم را افشا کنند به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شوند (۵)» افشاء سر بیمار جرم محسوب می‌شود.

در این مورد خاص اگر پزشک بخواهد راز بیمار را نگه دارد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ از یک طرف پزشک سوگند یاد کرده که

بحث

بسا به علت ممانعت از ازدواج برای ارضای نیاز جنسی دست به اعمالی بزند که باعث گسترش بیشتر بیماری شود و از طرف دیگر باعث عدم اعتماد مریض به پزشک می‌شود. در صورتی که بیمار اطمینان داشته باشد که اسرارش نزد پزشک معالج محفوظ می‌ماند با جرأت و اطمینان کامل همه آنچه را که در تشخیص و درمان پزشک مؤثر می‌باشد بی‌محابا اظهار می‌دارد. اقتضای اسرار، علاوه بر اینکه موجب هتک حرمت اشخاص و از بین رفتن آبروی آنان می‌شود، ممکن است باعث فتنه و فساد هم گردد و یا حتی ممکن است فرد بار دیگر برای مشاوره ازدواج به پزشک دیگری که از بیماری او مطلع نیست مراجعه کند. عوارض یاد شده علاوه بر اثرات مخرب روحی بر بیمار، سبب منزوی شدن و عدم فعالیت اجتماعی و اقتصادی بیمار می‌شود. سؤال اینجاست که آیا پزشک حق دارد زندگی فردی را که حتی ممکن است بی‌هیچگونه خطایی (ابتلا از طریق انتقال خون) به این بیماری گرفتار شده است دگرگون کند؟ آیا پزشک باید مصالح همسر و فرزندان آینده بیمار را در نظر بگیرد و یا باید به خواست بیمارگردن نهاده و با رازداری از ازدواج او جلوگیری نکند؟ برآستی مرزهای سکوت تا کجاست؟

با نیل به مسائل فوق بر سر دو راهی قرار گرفتن پزشک در چنین حالتی مشخص گردید؛ از طرفی براساس سوگندی که یاد کرده باید رازدار مریض خود باشد و از طرفی یکی از مهمترین وظایف او پیشگیری از گسترش بیماری می‌باشد. اگر برای حفظ همسر بیمار از ابتلا احتمالی به ایدز راز مریض خود را فاش کند رازداری نکرده و اگر بخواهد رازداری نماید یک فرد سالم بی‌گناه را به کام یک بیماری مهلک می‌کشانند. در این باب پزشک باید سه مصلحت را در نظر داشته باشد که عبارتند از مصلحت بیمار، اطرافیان و جامعه (۶). در این مورد بخصوص مصلحت اطرافیان و جامعه این است که همسر فرد از آلودگی شوهر خود به بیماری ایدز مطلع باشد تا در صورت ازدواج با او خود مسؤول طبعات بعد از آن باشد؛ اما مصلحت خود فرد در چیست؟ اگر بدون اطلاع همسر خود از بیماریش بخواهد با او ازدواج کند مسلماً برای همیشه نمی‌تواند آنرا مخفی نگه دارد و دیر یا زود همسر او از این موضوع مطلع خواهد گردید در این زمان شاید پزشک بتواند براساس حجت شرعیش اصل اولیه (رازداری) را بشکند و به خاطر مصلحت فرد، اطرافیان و جامعه بیماری او را به اطلاع همسرش برساند و شاید از لحاظ

سرایت و نحوه پیشگیری بیماری ایدز» انجام گرفت افراد مورد پژوهش در پاسخ به سؤال «آیا لازم است آزمایش تشخیص ایدز قبل از ازدواج اجباری شود؟ ۸۸ درصد جواب «بله» و ۳/۸ درصد جواب «خیر» و ۸/۲ درصد جواب «بی‌نظر» داده‌اند (۴).

در نگاه اول به این قضیه نیز این روش راهکاری قانونی است که هر طرف ازدواج از لحاظ عدم آلودگی همسر آینده‌اش به ایدز مطمئن می‌گردد و در ضمن رازداری پزشک نیز محفوظ می‌ماند ولی در این خصوص توجه به نکات زیر الزامی می‌باشد.

- اولاً دوره کمون بیماری ایدز طولانی بوده و تا مدت طولانی در فرد مبتلا هیچگونه علائم سرولوژیک وجود ندارد لذا در صورت منفی شدن آزمایشهای ELIZA و Western Blot هیچگونه تضمینی در خصوص عدم ابتلا فرد مورد نظر به ایدز وجود ندارد. در حال حاضر نیز در سطح دنیا از این تستها به عنوان تستهای غربالگری استفاده نمی‌شود.

- ثانیاً در حال حاضر در ایران ۸۵ مرکز درمانی توانایی انجام تست ELIZA و تنها ۸ مرکز توانایی انجام تست Western Blot را دارند و اجباری کردن چنین تستی قبل از ازدواج با توجه به امکانات موجود سد راه بزرگی جهت ازدواج افراد خواهد شد و این سیاست‌گذاری موجب کاهش میزان ازدواج

قانونی و شرعی کار خلافی انجام نداده باشد. اما هدف او از این کار چیست؟ آیا چیزی جز جلوگیری از گسترش ایدز می‌باشد؟ اگر چنین باشد آیا کار پزشک باعث بی‌اعتمادی مریض به او نمی‌شود و آیا این خود باعث گسترش بیشتر ایدز نمی‌گردد؟

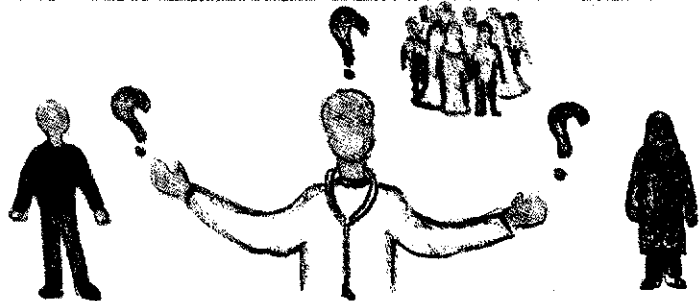
یکی از مهمترین راهکارها برای جلوگیری از گسترش ایدز مشاوره پزشکان با مبتلایان به این بیماری می‌باشد. اما اگر بیمار به واسطه عدم اعتمادی که خود پزشک ایجاد کرده است، تن به این مشاوره ندهد آیا بیماری ایدز گسترش بیشتری نمی‌یابد؟ در بسیاری از این موارد مریض در خود احساس انتقام می‌کند و برای انتقام‌گیری دست به اعمالی می‌زند که باعث انتقال بیماری به دیگران می‌گردد. در اینجا باید به دنبال راهکاری بود که این مشکل را نیز برطرف کند و در واقع ضمن رعایت حفظ اسرار بیماران، راه حلی برای جلوگیری از گسترش بیماری در این مورد خاص پیدا کند. اولین راهکاری که به ذهن هر فرد بخصوص عموم مردم می‌رسد اجباری کردن آزمایش تشخیص ایدز قبل از ازدواج می‌باشد چنانچه در تحقیقی که در سال ۱۳۷۶ در شهر اراک با عنوان «تعیین میزان آگاهی افراد ۱۵ تا ۵۰ ساله اراک در مورد راههای

در سطح جامعه خواهد گردید. براساس آخرین آمار در سال اخیر حدود ۵۱۲۰۰۰ ازدواج صورت گرفته که اگر همین تعداد ازدواج نیز حفظ شود با شرایط موجود امکان انجام یک میلیون و بیست و چهار هزار تست تشخیص ایدز برای سیستم بهداشتی، کار بسیار پرهزینه و دشواری می‌باشد. در این مورد باید به این نکته نیز اشاره داشت که در صورت انجام این کار با توجه به شیوع کم بیماری ایدز در سطح جامعه و همین‌طور عدم ارزش نتیجه منفی آزمایشات، با صرف هزینه بسیار زیاد به نتیجه چشم‌گیری برای کنترل ایدز دست نمی‌یابیم و حتی اثر منفی نیز بر میزان ازدواج جامعه خواهیم داشت، لذا باید به دنبال راهکاری دیگر بود.

مشاوره یکی از جادوهای پزشکی اجتماعی و از مهمترین وظایف پزشکان می‌باشد. اگر در چنین حالتی پزشک با بیمار موردنظر مشاوره نماید و یا از روانشناسان نیز کمک بگیرد یکی از بهترین کارها را انجام داده است. اگر پزشک ابعاد این کار بیمار را برایش روشن کند؛ اگر به او بگوید که حق ندارد دیگران را به کام این بیماری بکشاند و اگر به او گوشزد نماید که در ازدواج باید صادق بود و او را دلگرم نماید که این صداقت ممکن است کانون خانواده آینده او را گرمتر نماید و اگر با او راجع به روشهای انتقال ایدز و همین‌طور روشهایی که شانس انتقال از راه

مقارت جنسی را کم می‌نماید صحبت کند و به او دلگرمی دهد که در این مورد با همسر موردنظر او نیز صحبت خواهد کرد و در یک کلام بیمار را به این باور برساند که همسر آینده او حق دارد از بیماری او مطلع باشد و صلاح خود و همسر او نیز در این است؛ بدین ترتیب خود بیمار است که واقعیت را به همسرش می‌گوید و رازداری پزشک نیز محفوظ می‌ماند. لازم به ذکر است که برای بیماریهای مشابه دیگری که از طریق تماس جنسی هم منتقل می‌شوند مثل هپاتیت B که امروز در جامعه ایران شیوع بالاتری از ایدز دارد نیز کلیه مطالب بالا صادق است. با توجه به مطالب فوق به پزشکان پیشنهاد می‌شود در صورت برخورد به این چنین مواردی با انجام مشاوره، بیمار را تشویق به مطلع کردن همسر آینده‌اش از بیماری خود نمایند. امید است با یاری خداوند و تفکر صحیح پزشکان بتوان تا حد امکان از پیشرفت بیماری ایدز از این طریق جلوگیری کرد.

تقدیر: با تشکر از دکتر کامران آقاخانی دستیار پزشکی قانونی که در امر تهیه این مقاله ما را یاری نمودند.



مجموعه علمی پژوهشی خانواده / فصلنامه علمی / شماره شانزدهم

- 1 _ Matec-SU, *Ethics and acquired immunodeficiency syndrome, Clin-Podiatr-Med-Surg.* 1992. oct; 9(4): 961-74.
- ۲ - جداول فراوانی ایدز، اداره کل مبارزه و پیشگیری از بیماریها، ۱۳۷۷/۱/۱.
- 3 _ De-Souza-EJ, *Ethical and Legal issues and AIDS, J-Indian-Med-Assoc* 1993 Dec; 91(21): 325-6.
- ۴ - دکتر ابوتراب نفیسی، «تاریخ اخلاق پزشکی». دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - معاونت پژوهشی.
- ۵ - اخلاق پزشکی، معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، چاپ اول.
- ۶ - محمد هادی عبد خدائی، «اخلاق پزشکی». مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۷ - علی چهره‌ای، تعیین میزان آگاهی افراد ۱۵ تا ۵۰ ساله اراک در مورد راههای سرایت و نحوه پیشگیری بیماری ایدز، کتابچه خلاصه مقالات سمینار منطقه‌ای سمنان آبان ماه ۱۳۷۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجله علمی پزشکی قانونی / سال پنجم / شماره شانزدهم